

تاریخمندی زرتشت یا در جستجوی زرتشت تاریخی

شروین فریدنژاد
(فرهنگستان علوم اتریش، وین / دانشگاه آزاد برلین)

درباره زرتشت، پیامبر دین ایرانی باستان که به نام او نامیده می‌شود، چه می‌دانیم؟ آیا زرتشت یک پیامبر تاریخی بود یا مصلحی اسطوره‌ای؟ زمان و زادگاه زرتشت، کی و کجاست؟ آیا سرودهای «گاهان»، کهن‌ترین نمونه‌های ادبیات ایرانی باستان را او سرود و نوشت؟ آیا دین زرتشتی نخستین دین یکتاپرستی است؟ این نوشته می‌کوشد تا به زبانی ساده و تا حد امکان به این پرسش‌ها پاسخ بگوید.

مطالعه تاریخ ادیان

سه گروه منابع اصلی که مورخان و دین‌پژوهان عمدتاً از آن‌ها برای نوشتن تاریخ دین زرتشتی استفاده می‌کنند، عبارتند از متون اوستایی، سنگ‌نوشته‌های فارسی باستان و همین‌طور متون ادبیات زرتشتی به زبان‌های فارسی میانه زرتشتی (پهلوی) و فارسی نو. این سه گروه متون نه تنها از زمان‌هایی بسیار متفاوت سرچشمه می‌گیرند، بلکه پراکندگی جغرافیایی و پیش‌زمینه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن‌ها هم بسیار گسترده و متفاوت از یکدیگر است. هرچند که تعیین تاریخ دقیق برای تدوین مجموعه متون باستانی زرتشتی که از آن به عنوان اوستا یاد می‌شود، بسیار دشوار است، اما دانش زبان‌شناسی تاریخی (فقه‌اللغه ایرانی باستان) این امکان را فراهم می‌سازد که زبانی که این متون به آن نوشته شده‌اند را با تقریبی به نسبت دقیق تاریخ‌گذاری کنیم. به این ترتیب، کهن‌ترین بخش‌های اوستا، یعنی «گاهان»^۱ و «یسن هفت‌ها»^۲، در بازه زمانی بین نیمه دوم هزاره دوم تا هزاره اول پیش از میلاد و متون اوستای متأخر یا اوستای نو، بین هزاره اول پیش از میلاد تا اواخر دوره هخامنشی آفریده شده‌اند. برخلاف متون اوستایی، کتیبه‌های شاهی فارسی باستان را می‌توان با دقت بیشتری، عمدتاً در بازه زمانی بین داریوش و خشایارشا تا اردشیر دوم هخامنشی تاریخ‌گذاری کرد. هرچند این متون، متون مذهبی به معنای اخص کلمه نیستند، اما ارجاعات درون متنی آن‌ها به نام خدایان و ایزدان زرتشتی و همچنین آیین‌ها و

[illegible]

ایده‌های مذهبی، آن‌ها را به منابع مهمی برای بررسی تاریخ دین زرتشت تبدیل می‌کند. متون فارسی میانه، شامل کتیبه‌های ساسانی و متون زرتشتی نیز، که با اندک استثناهایی، عمدتاً شامل متون فقهی و حقوقی زرتشتی هستند، مهم‌ترین منابع متنی مستقیم برای بررسی تاریخ عقاید زرتشتی و زندگی زرتشت هستند. زمان نگارش یا ویرایش نهایی عمده متون پهلوی زرتشتی در سده نهم میلادی است، هرچند که این متون نشان از سنتی بسیار کهن‌تر دارند و برخی از آنان دربردارنده شروح و تفاسیری از اوستا هستند که متن اوستایی آن‌ها امروزه دیگر در دسترس نیست. در این میان، نکته مهم روش‌شناسانه، رویکردی است که پژوهشگر مطالعات زرتشتی در نوع برخورد و استفاده از منابع مختلف در دسترس برای بازسازی تاریخ دین زرتشتی در پیش می‌گیرد. این رویکرد در کنار استفاده از سایر منابع، مانند شواهد باستان‌شناسی، سکه‌شناسی و گزارش‌های یونانی، رومی، لاتین، عربی و... درباره دین زرتشت یا رد موضوعیت آن‌ها، در ترسیم تصویر نهایی از تاریخ آن اهمیت پیدا می‌کند. آلبرت دویونگ، دین‌پژوه، مورخ و ایران‌شناس معاصر هلندی، سه رویکرد اساسی را با توجه به روش استفاده از منابع در تاریخ مطالعات دین زرتشتی در غرب معرفی می‌کند:^۳ رویکرد «چندپارہ‌نگر»،^۴ رویکرد «هماهنگ‌انگارانه»^۵ و رویکرد «چندسان‌ساز».^۶ رویکرد نخست، منکر دریافتی واحد از سنت زرتشتی است. پژوهشگران متمرکز به این رویکرد، قائل به وجود چندین دین ایرانی متفاوت و متقابلاً منحصر به فرد هستند که تجلی‌های آن را می‌توان در سه گروه مختلف متون ایرانی یافت. هنریک سموتل نوبرگ (۱۸۸۹-۱۹۷۴)،^۷ اسکار س. ویکاندر (۱۹۰۸-۱۹۸۳)،^۸ گئو وین‌گرن (۱۹۰۷-۱۹۹۶)،^۹ هرمان لومل (۱۸۸۵-۱۹۶۸)،^{۱۰} امیل بنونیست (۱۹۰۲-۱۹۷۶)^{۱۱} و نهایتاً ژان کلنز (متولد ۱۹۴۴)^{۱۲} از مهم‌ترین نمایندگان این رویکرد هستند. در نگاه این پژوهشگران، تا آنجا که به آموزه‌های زرتشت مربوط است، «گاهان» انحصاراً و تنها متن معتبر برای تمرکز بر فهم تعلیمات دین باستانی ایران است که از آن با عنوان جایگزین «دین مزدایی» یاد می‌شود و هر آنجا که لازم شد، از متون ودایی (کهن‌ترین بخش‌های متون مقدس دین هندی باستان که به زبانی بسیار نزدیک به زبان اوستای کهن نوشته شده‌اند و از نظر زمانی، بیش از هر متن دیگری به آن نزدیکند) برای درک و دریافت اوستای کهن بهره می‌گیرند. کلنز حتی تا آنجا پیش می‌رود که «گاهان» را به استعاره، ماندالای یازدهم «ودا» می‌نامد. این رویکرد، تمرکز ویژه‌ای بر دانش زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی دارد و بدون توجه به سنت زرتشتی در متون متأخرتر، سعی در فهم مفاهیم و رمزگشایی آن‌ها می‌کند و در عمل جایی برای به رسمیت شناختن «سنت زرتشتی» باقی نمی‌گذارد. نمایندگان این رویکرد عملاً در پس هر گونه متنی، دینی متفاوت را می‌بینند و بدین‌گونه، به طریقه اولی، «گاهان» تنها متن «زرتشتی» است. ریشه‌های این رویکرد را می‌توان در مکتب «بازگشت به گاهان» که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، جستجو کرد.

پژوهشگران رویکرد دوم، اما، تمامی شواهدی که از سه گروه متون مرتبط با دین زرتشتی در دست هستند را در پیش‌زمینه‌ای از یک سنت مفروض «محافظه‌کار» و «راست‌دین» زرتشتی قرار می‌دهند و نگاهی به اصطلاح «ذات‌گرایانه» به یک کلیت پیوسته از یک سنت واحد زرتشتی دارند. در این رویکرد می‌توان تصویری یکدست از تحول خطی دین، از زرتشت تا امروز ترسیم کرد که عناصر محافظه‌کارانه راست‌دینی زرتشتی، آن را از تغییرات بنیادین مصون نگه داشته‌اند. این‌گونه، دانسته‌های ما از اوستای کهن تا متون پهلوی و سنت زنده زرتشتی امروز، بی‌توجه به تاریخمندی و بافت اجتماعی و سیاسی زمانه‌شان، امکان بازسازی تصویری همگون از دین زرتشتی را ممکن می‌سازد. ایلیا گرشویچ (۱۹۱۴-۲۰۰۱)،^{۱۳} گرادو نیولی (۱۹۳۷-۲۰۱۲)^{۱۴} و بیش از همه مری بویس (۱۹۲۰-۲۰۰۶)،^{۱۵} از نمایندگان شاخص این رویکرد هستند. رویکرد سوم اما، که به تصویر ارائه شده از دین‌های مختلف ایرانی (در رویکرد نخست) و دین واحد زرتشتی (در رویکرد دوم)، نقدهای روش‌شناسانه‌ای دارد، به دنبال پیدا کردن راه‌حلی میانی برای شناسایی ابعاد و تاریخ دین زرتشتی است. از شائول شاکد (متولد ۱۹۳۳)،^{۱۶} فیلیپ خ. کرین بروک (متولد ۱۹۴۸)^{۱۷} و آلبرت دویونگ (متولد ۱۹۶۶)^{۱۸} می‌توان به عنوان نمایندگان شاخص معاصر این رویکرد یاد کرد. به هر روی، نایستی این نکته را از نظر دور داشت که طبیعت منابع تاریخ دین زرتشت در مقایسه با منابع تاریخ مسیحیت یا اسلام، نیازمند رویکردی به کلی مستقل است. در این منابع، ما تنها به «لحظه»هایی از کل تاریخ دین ایرانی دسترسی داریم. جزئیات بسیاری از سده‌ها و گاه هزاره‌های تحولات دین

زرتشتی هنوز بر ما پوشیده هستند. جز آن، تاریخ‌گذاری بخش بزرگی از این متون، اگر نه ناممکن، که تنها به سختی و با تقریب زیاد ممکن است و ماهیت تاریخی، سیاسی، آیینی یا فقهی این متون، بررسی آن‌ها را نیازمند به تسلط به حوزه‌های مختلف علوم معاصر و وابسته به آشنایی خوب با تعداد زیادی از زبان‌های ایرانی و غیرایرانی، در گستره‌ای چند هزار ساله و جغرافیایی به وسعت کل جهان ایرانی باستان می‌سازد.

«گاهان»: پیچیدگی ترجمه و مکاتب تفسیر آن

«گاهان» (گاه‌ها/گات‌ها؛ به معنای «سرودهای آیینی») مجموعه‌ای از هفده قطعه منظوم در بحور هجایی هستند که پنج فصل (هایتی/ها) از ۷۲ فصل «یسنه» (به معنای پرستش و قربانی) را تشکیل می‌دهند و در ۲۳۸ بند، ۸۹۶ بیت و ۵۵۶۰ واژه را دربرمی‌گیرند. این سرودها، کهن‌ترین نمونه‌های ادبی شعر ایرانی باستان به شمار می‌روند. «گاهان» در کنار متون منشور «یسن هفت‌ها» و دیگر اذکار و ادعیه کوچک اوستای کهن (اَهورَنَوَر، اَشْمَوُهو، پَنگه‌ها تم و اَیرِیْمَن)^{۱۹}، به زبانی تألیف شده‌اند که از آن به عنوان «زبان اوستایی کهن» یاد می‌شود. متون اوستای کهن، از نظر ساخت زبانی، از سایر متون اوستایی که آن را در دل خود نگه داشته‌اند، مشخصاً قدیمی‌تر است.

اهمیت «گاهان»، «یسن هفت‌ها» و اذکار و ادعیه کوچک اوستای کهن به عنوان هسته مرکزی متون مقدس زرتشتی، از همان آغاز، در سنت زرتشتی آشکار است. در این میان، هفده سرود «گاهان»، در سیر تاریخ مطالعات زرتشتی از میانه سده نوزدهم تا به امروز، بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است. هیچ متنی از آغاز تاریخ مطالعات زرتشتی در اروپا سراغ نداریم که به اندازه «گاهان» ترجمه و تحلیل شده و ترجمه‌های مختلف آن، تا به این حد باهم متفاوت باشند. عتیق بودن زبان «گاهان»، فاصله‌ای نزدیک به دست‌کم نیم هزاره از نزدیک‌ترین متن‌های مرتبط با آن در اوستای نو، زبان شعر و پیچیدگی‌های صوری و مفهومی آن، واژه‌های ناشناخته با تنها یک شاهد مثال و کمبود دانسته‌های ما در مورد پیش‌زمینه‌های ادبی و تاریخی آن، «گاهان» را به یکی از دشوارترین متون ادبیات هند و ایرانی باستان تبدیل ساخته است. هرچند که با انتشار «واژه‌نامه‌ی ایرانی باستان» (۱۹۰۴)^{۲۰}، اثر سترگ کریستیان بارتولومه (۱۸۵۵-۱۹۲۵)^{۲۱}، اوستاشناس بزرگ آلمانی، این امکان دست داد که زبان‌شناسان و دین‌پژوهان به توافقی نسبی بر سر معانی ظاهری «گاهان» برسند، اما همچنان بر سر فهم معانی درونی آن، اختلافاتی خیره‌کننده در بین مترجمان «گاهان» وجود دارد. به تحقیق، هر برگردانی از «گاهان» تا به امروز، تنها صورتی از نگاه و برداشت مفسر و مترجم آن را عرضه کرده است و تنها تفسیری از این متن پیچیده و چندوجهی است. هرچند که هنوز در فهم و توجیه جنبه‌هایی از صرف زبان اوستای کهن تردیدهایی وجود دارد، نباید از یاد برد که دشواری فهم «گاهان»، بیشتر در پیچیدگی‌های نحوی و دشواری ابعاد معناشناسانه آن است. روشن است که پژوهش مستمر بر روی این متون، فهم ما از «گاهان» را بهبود خواهد بخشید.

حال برای فهم این متن کلیدی و پیچیده زرتشتی چه باید کرد؟ اصولاً محل اصلی نزاع در بین دو رویکرد «چندپارهنگر» و «هماهنگ‌انگارانه» در این نکته است که آیا و تا چه حد می‌توان برای فهم و تفسیر «گاهان» از متون متأخرتر اوستایی و فارسی میانه و اصولاً سنت زنده زرتشتی بهره برد، به ویژه که برگردان فارسی میانه (پهلوی) «گاهان» نیز که درک و دریافت سنت موبدی از آن را می‌نماید، هم به دست ما رسیده است. با بررسی ترجمه‌ها و تفاسیر گوناگون «گاهان» از آغاز سنت مطالعات زرتشتی در اروپا تا به امروز، اجمالاً می‌توان به دو مکتب ترجمه و تفسیر «گاهان» اشاره کرد: یکی مکتب «الهیاتی-زندگی‌نامه‌ای» و دیگر مکتب «آداب و شعائر». در مکتب «الهیاتی-زندگی‌نامه‌ای» که دست‌کم تا میانه سده بیستم، با رویکردهای گوناگونی، جریان غالب ترجمه و تفسیر «گاهان» بود، همان‌گونه که از نام آن نیز پیداست، به «گاهان» به عنوان مجموعه مواعظی تعلیمی، اخلاقی و ارشادی نگاه می‌شود که مخاطبان آن، گروه مؤمنان و دیندارانند. این‌گونه «گاهان» متنی است واعظانه، منطبق بر فهم سنتی از کلام خداوند در سنت‌های ادیان ابراهیمی، که از طرف اهوره‌مزدا به

صورت وحی به زرتشت ابلاغ شده و حاوی اطلاعاتی درباره زندگی زرتشت پیامبر نیز هست. کریستیان بارتولومه، یس پتر آسموسن (۲۰۰۲-۱۹۲۸)^{۳۲}، مری بویس، ژاک دوشن-گیمین (۲۰۱۲-۱۹۱۰)^{۳۳}، گرارو نیولی، والتر هینتس (۱۹۹۲-۱۹۰۶)^{۳۴} و استنلی اینسلر (۲۰۱۹-۱۹۳۷)^{۳۵} از مهم‌ترین نمایندگان چنین رویکردی به ترجمه «گاهان» هستند. این نگاه همواره تا کنون، نگاه غالب نه تنها دینداران زرتشتی، که اکثریت پژوهشگران مطالعات زرتشتی بوده است. تنها با نخستین ترجمه هلموت هومباخ (۲۰۱۷-۱۹۲۱)^{۳۶}، اوستاشناس نامی آلمانی در سال ۱۹۵۹ میلادی بود که انقطاعی در سنت تفسیر الهیاتی - زندگی‌نامه‌ای پدید آمد و رویکرد متفاوت دیگری در ترجمه و فهم «گاهان» معرفی شد. در نگاه هومباخ، «گاهان»، نه وعظ و خطابه اخلاقی و ابلاغ کلام ایزدی به مومنان، بلکه متونی آیینی هستند؛ سرودهایی مذهبی برای ستایش خداوند و استغاثه برای دریافت پاداش از او. به این معنا، هدف زرتشت نه وعظ و ارشاد و اعلام وحی، که سراسر «گاهان» گفتگو و مناجات با خداوند است. هرچند برای هومباخ، هنوز زرتشت سراینده «گاهان» است، اما همزمان بر این باور است که «گاهان» دربردارنده هیچ‌گونه اطلاعاتی نه درباره زندگی و اعمال زرتشت و نه در مورد تاریخ و چگونگی دین ایران باستان نیست. نگاه به «گاهان» به مثابه متنی صرفاً «آیینی» از میانه دهه هفتاد میلادی در آثار و نوشته‌های ژان کلنز، اریک پیرار (متولد ۱۹۵۰)^{۳۷} و پرودز اکتور شروو (متولد ۱۹۴۴)^{۳۸}، بار دیگر چهره‌ای جدید به خود گرفت. کلنز، اوستاشناس معاصر بلژیکی کلژ دو فرانس برخلاف سلف آلمانی خود هومباخ، قائل به زرتشتی تاریخی نیست و «گاهان» را، بسیار شبیه به «گاتها» ی ودایی، ستایش‌سرودنامه‌هایی آفریده گروه ناشناسی از روحانیان «جماعت گاهانی» مزدیسنا می‌داند. مزیت نگاه کلنز، تبیین بهتر کارکرد این متون در بافتار تاریخی آن‌ها و مشکل این رویکرد از نظرگاه دین‌شناسانه در بازسازی ساختار آیین‌ها و شعائری است که هرچند در متون قابل شناسایی‌اند، اما نه تنها از نظر تاریخی در زمان تدوین «گاهان»، نشانی از آن‌ها نداریم، بلکه در نص «گاهان»، به چنین آداب و مناسکی با دیده تردید نگاه شده است (برای مثال در یسنه‌های ۴۸.۱۰؛ ۴۴.۲۰ و ۳۲.۱۲).

مکتب «بازگشت به گاهان»

هرچند که امروزه، تقریباً برای قریب به اتفاق باورمندان و روحانیون زرتشتی، «گاهان»، تنها متن «مسجل زرتشتی» است که «آموزه‌های واقعی» زرتشت پیامبر در قالب وحی از جانب خدا به او را شامل می‌شود، اما نگاهی به تاریخ تحولات و تطورات دین زرتشتی نشان می‌دهد که چنین باوری، کمی بیشتر از دو سده قدمت ندارد و زاینده جنبشی اصلاح‌گرایانه و البته ناگزیر در سده نوزدهم میلادی است. در میانه سده نوزدهم میلادی، جان ویلسون (۱۸۰۴-۱۸۷۵)^{۳۹}، شرق‌شناس، کشیش و مبلغ نامدار مسیحی کلیسای اسکاتلند و رییس انجمن پادشاهی آسیایی بمبئی، رسالت مذهبی خویش را در آن می‌دید که با حمله مستقیم به دین و آیین‌های زرتشتیان هند (پارسیان) و نقد بی‌رحمانه آن‌ها، زمینه را برای گرویدن پارسیان به دین مسیح فراهم سازد. حملات سخت ویلسون به اعتقادات جامعه زرتشتی، موبدان پارسی را که بیش‌تر بر اجرای آیین‌ها و مناسک و نه مناظره و جدل‌های کلامی تمرکز و آمادگی داشتند، دچار مشکلات بسیار و بحران بزرگی کرد. تعمید دو کودک پارسی توسط ویلسون، این بحران را شدیدتر و جامعه بسته و سنتی راست‌دین پارسیان را هم بسیار خشمگین ساخت. ویلسون، که واعظ و خطیبی زبردست بود، با مطالعه و زیر و رو کردن متون تازه ترجمه شده زرتشتی به فرانسه، آلمانی و انگلیسی، اعم از اوستا و کتاب‌های پهلوی و متون زرتشتی فارسی و با بهره‌گیری از توانایی‌های یک مبلغ مذهبی در فنون جدلی و استدلالات کلامی، به همه اعتقادات زرتشتی به شدت حمله می‌کرد و با سوءاستفاده از ناآمادگی رهبران مذهبی پارسی در هم‌آوردی کلامی با او، باورهای آنان را به سخره می‌گرفت. ویلسون در کتاب جدلی خود «دین پارسی بر مبنای زند اوستا» (۱۸۴۳)، در اعتبار و اصالت زرتشت تردید کرد و پارسیان را برای اثبات حقانیت زرتشت و پاک و وحیانی بودن آموزه‌های او به شدت به چالش کشید. باید در نظر داشت که نه تنها عمده متون تاریخی و کلامی مرتبط با زرتشت، برای موبدان پارسی این زمان ناشناخته بودند و عوام نیز هنوز هیچ‌گونه دسترسی و توانایی خواندن و فهمیدن متون اوستایی و پهلوی را نداشتند، بلکه موبدان زرتشتی، تسلط چندانی هم به فنون جدلی و استدلالات کلامی نداشتند. این وضعیت، موضع آنان را در برابر

حملات ویلسون بسیار ضعیف می‌کرد و عملاً امکان مقابله با او را از آنان می‌گرفت. «زرتشت‌نامه» فارسی (و ترجمه‌های گجراتی آن)، «دبستان مذاهب» و «شاهنامه»، در کنار سنت زنده شفاهی، عمده‌ترین منابع مورد ارجاع پارسیان بودند که از طرف ویلسون مورد تردید واقع می‌شدند. این دست حملات مبلغان مذهبی مسیحی، جامعه پارسیان هند را به مرور وادار به تجدیدنظر در باورهای سنتی‌شان کرد و راه را برای ارائه صورتی از دینداری زرتشتی، هماهنگ با آموزه‌های مسیحی هموار ساخت. در همین زمان بود که نتیجه آرای جدید و متهورانه مارتین هاوک (۱۸۷۶-۱۸۲۷)^{۳۰}، شرق‌شناس و زبان‌شناسی نامدار آلمانی، راه را برای خروج از این وضعیت دشوار برای پارسیان گشود. هاوک در کتاب مهمش «نوشته‌هایی درباره‌ی زبان مقدس، متون و دین پارسیان» (۱۸۶۲)^{۳۱} و البته دیگر آثارش، این کشف مهم را مطرح کرد که نه تنها از بین همه متون اوستایی، «گاهان» به زبانی بسیار کهن‌تر از دیگر متون اوستایی تألیف شده‌اند، بلکه تنها این متون اوستای عتیق هستند که می‌توان آن‌ها را کلام مستقیم زرتشت به شمار آورد و نه دیگر بخش‌های اوستا. هرچند ایده کهن‌تر بودن بخش‌هایی از اوستا را همزمان زبان‌شناس نامدار هموطن او، فریدریش فون شپیگل (۱۸۲۰-۱۹۰۵)^{۳۲} هم مطرح کرده بود، اما شپیگل نیز همچون ویلسون به این نتیجه رسیده بود که هیچ بخشی از اوستا، کلام زرتشت نیست. با این نظر هاوک درباره زرتشت به عنوان خالق «گاهان»، که هم از اعتماد کامل پارسیان و هم از اعتباری علمی - دانشگاهی برخوردار بود، دیگر نیازی نبود که موبدان زرتشتی از همه اوستا در برابر حملات و انتقادات کسانی چون ویلسون دفاع کنند و این امکان را برایشان فراهم می‌کرد که حتی خود به نقد و یا حتی طرد به اصطلاح «افزوده‌های بعدی اوستا» بپردازند. همزمان، پیچیدگی زبانی و سبکی و محتوایی «گاهان»، امکان مناسبی برای ارائه خوانشی تازه و اصلاح‌طلبانه از دین زرتشتی در اختیار پارسیان قرار می‌داد، تا بتوان آن را بیش‌تر و بهتر، با مفروضات اساسی یهودی - مسیحی هماهنگ و توجیه‌پذیر کرد. البته نباید از یاد برد که نه‌تنها در متون سنتی و فقهی زرتشتی، بلکه حتی بسیار پیش از آن، در متون اوستای نو، همواره جایگاه ویژه‌ای برای «گاهان» در نظر گرفته شده و سرایش آن بنا بر یسنه ۵۸.۸ منسوب به زرتشت است و همو کسی است که «گاهان» را به گونه‌ای درست و بایسته قرائت کرد (یسنه ۷۱.۱). آن‌چه که در کتاب سوم «دینکرد»، به عنوان نظر بعضی از موبدان در مورد این‌که وحی اهورامزدا به زرتشت، تنها منحصر به «گاهان» است، یادشده، در نگاه قاطبه موبدان چیزی جز بدعت نبود و رویه عمومی سنت راست‌دینی زرتشتی و تفسیر موبدان راست‌کیش، بر آن استوار بود که تمامی اوستا و زند (یعنی متون اصلی اوستایی و تقریرات و تفسیرهای فارسی میانه بر آن) سرچشمه‌ای وحیانی دارند. در چنین فضایی و در نتیجه نقدهای عمدتاً بدون پاسخ مانده منتقدان، اکثریت راست‌کیشان پارسی نیز از باورهای کهن خود مبنی بر کلام ایزدی بودن کل اوستا و زند دست کشیدند. بدین گونه از بخش بزرگی از متون زرتشتی مانند «ویدوداد» (وندیداد) و «بندهشن» که تا آن زمان جزو پیکره اصلی متون مقدس به شمار می‌رفتند، قداست‌زدایی شد.

از آن‌چه که اتفاق افتاد معمولاً به عنوان «نهضت بازگشت به گاهان» یاد می‌شود که اثر عمیقی بر درک و دریافت زرتشتیان از دینشان و رابطه آن‌ها با متون مقدس زرتشتی گذاشت. این بازاندیشی بنیادین در مبانی اعتقادی، تا به امروز نه تنها جریان غالب باور زرتشتی را شکل می‌دهد، بلکه دریافت عمومی غیرزرتشتیان را نیز نسبت به دین زرتشتی و متون مقدس آن شکل داده است. کشف بنیادین مارتین هاوک که به خاطر تأثیر عظیم او بر تغییر باورهای جامعه پارسی از او با عنوان «دستور آلمانی» یاد می‌کردند، با کنایه‌ای ضمنی بر باور رایج و نادرست بی‌اطلاعی روحانیون زرتشتی از متون اساسی دین خود نیز همراه بود. برای پژوهندگان و دین‌شناسان غربی که عمدتاً پیش‌فرضی ملهم از باورهای مسیحی برای نگاه به دین‌های دیگر و متون مقدس آن‌ها داشتند و بنا بر این نگاه، متون مقدس را به عنوان منبع پیوسته سنت می‌دیدند، نتیجه‌ای ناگزیر دیگری نیز در پی بود که نشان از گسستگی و چندپارگی فهم دینی در سنت زنده زرتشتی داشت و دلیل به ظاهر روشنی برای ایده مشهور به بیراهه کشانده شدن پیام راستین زرتشت پس از او و زنده شدن کافرکیشی و پرستش خدایان کهن هند و ایرانی ارایه می‌کرد. همانندی‌های ایده به بیراهه رفتن آموزه‌های الهی پس از درگذشت پیامبر که در سنت یهودی - مسیحی شناخته شده بود، راه را برای پذیرش این ایده بیش از پیش هموار کرد که نتیجه عملی آن، یکی از سه نگاه غالب

در بین جریان‌های معاصر دانشگاهی در مطالعات زرتشتی بود: «نگاه چندپاره» به تاریخ دین زرتشتی.

زرتشت تاریخی

طرح بحث زرتشت تاریخی در نگاه نمایندگان رویکرد چندپاره به تاریخ زرتشتی، در گرو بحث اصالت و نوآوری آموزه‌های زرتشت است. در نگاه مهم‌ترین نماینده معاصر این رویکرد، یعنی ژان کلنز، وجود دین زرتشتی، وابسته به وجود یک سنت زرتشتی و آن نیز در گرو اثبات وجود سه ویژگی اجتناب‌ناپذیر است. نخست وجود سنتی دینی با آموزه‌هایی نو و بدیع که لاجرم در تقابل با آموزه‌های دین غالب پیش از آن قرار می‌گیرد و در نتیجه در مقام بدعتی دینی با آن درگیر می‌شود؛ دوم، وابستگی پایه‌گذاری این بدعت به وجود شخصیتی تاریخی و فرهمند^{۳۳} و سوم فعالیت‌های تبشیری و تبلیغی آگاهانه و مستمر ناگزیر برای این سنت دینی مفروض. در نگاه کلنز، از آنجایی که ما کمتر امکانی حتی در فهم دوری از «گاهان» هم نداریم و قادر به شناسایی هیچ یک از خصوصیات اصلی مزدیسنا گاهانی هم نیستیم، منطقاً امکان رسیدن به هرگونه پاسخی به سوالات مطرح شده را هم نداریم و از این رو طرح مسأله پیامبر بودن زرتشت و اصولاً وجود یک زرتشت تاریخی بلاموضوع است. در نگاه کلنز، زرتشت شخصیتی اسطوره‌ای است و نه سراینده و خالق «گاهان» و در نوآورانه بودن اصلاحات دینی او نیز تردیدهایی جدی وجود دارد. برای مثال، یادشدن نام زرتشت در صیغه سوم‌شخص، از نظر کلنز نشانی بر نامحتمل بودن پذیرفتن یک زرتشت تاریخی به عنوان سراینده «گاهان» است. هرچند که نگاهی به متون «ودایی» که از قضا از نظر کلنز تنها متون قابل استفاده برای فهم «گاهان» هستند، نشان از معمول بودن کاربرد صیغه سوم شخص برای راوی (که مستقیم به نام خود نیز در مقام اول شخص هم اشاره می‌کند) دارد و به خوبی نشان می‌دهد که سنت نام بردن راوی از خود در صیغه سوم‌شخص، سنتی شناخته شده در ادبیات هندی و ایرانی است. کلنز در جایی دیگر می‌گوید که در نظر او پرسش درباره خالق «گاهان»، پرسشی بی‌معناست و کمکی به فهم بهتر دین قدیم مزدایی نیز نمی‌کند و «گاهان»، نه کار یک نفر، که بیان حال یک گروه دینی یا «حلقه‌ی گاهانی» است، اما بی‌تردید، کسی جز زرتشت راوی و قائل آن نبوده است. کلنز اصولاً هیچ‌گاه توضیح و تفسیر موشکافانه‌ای برای بسیاری از فرض‌های خود ارائه نمی‌دهد و عموماً چهارچوب و مبانی روش دین‌پژوهانه‌ی او نامشخص و مبهم است. افزون بر آن، بررسی ساختاری و چگونگی ارجاعات دقیق و هدفمند درون‌متنی «گاهان» و «ترکیب‌بندی حلقوی»^{۳۴} سروده‌ها اما به خوبی روشن می‌کند که تألیف آن نه یک فعالیت جمعی، که لزوماً اثر یک نویسنده واحد باید باشد. «ترکیب‌بندی حلقوی» اشاره به ساختار پیچیده متقارن متون گاهانی حول یک مرکز مشخص دارد. این تقارن نه تنها بر یک تقارن معنایی در موضوعات مطرح شده در هر سرود دلالت دارد، بلکه در سطوح مختلف عبارت‌پردازی، واژگانی، آواشناسانه و صنایع و آرایه‌های ادبی نیز قابل تشخیص است. به زبان ساده، بند میانی هر سرود به عنوان مرکز مفهومی آن، از جنبه‌های مختلف با بند آغازین و پایانی در تقارن است و به همین ترتیب بند دوم با بند ماقبل آخر و الخ. بدین ترتیب نه تنها تمام بندهای یک قطعه در نظمی ارگانیک با یکدیگر قرار می‌گیرند که فراتر از آن ساختاری روشن در چگونگی ارتباط معنایی بین بخش‌های مختلف متون عتیق اوستایی و سایر متون متأخر اوستایی که آن را دربرگرفته‌اند، قابل شناسایی است. با توجه به پژوهش اخیر درباره قدمت ساختاری آیین یسنه که تا به امروز یکی از مهم‌ترین آیین‌های زرتشتی است و اجرای آیینی هر هفتاد و دو یسنه را شامل می‌شود، می‌توان با اطمینان از دست نخورده باقی ماندن کلیت این متون، در هزاره‌های تاریخ انتقال شفاهی و دست‌کم از دوره هخامنشی تا به امروز سخن گفت که شرح جزئیات آن از حوصله این نوشته خارج است.

بی‌شک، اگر بدون هیچ دلیلی خود را با پیش‌فرض تنها قابل استفاده بودن متون اوستای کهن برای فهم آموزه‌های دین باستانی ایران محدود نکنیم، متون متأخر اوستایی و سنت زرتشتی، برای هر سه شرط تعیین شده از طرف کلنز، پاسخ‌های قابل اعتنایی دارند. معرفی اهورا مزدا به عنوان خدایی نو و ناشناخته در ایزدکده هندوایرانی و تقابل آن با دئوهای اوستایی و تأکید بر عنصر انتخاب آگاهانه پیروی از جانب خوبی یا بدی در نبرد کیهانی بین نیروهای نیک و بد، بی‌تردید نشان از بدعتی جدید در تقابل با دین کهن پیشازرتشتی دارد. ذکر

«فِرَوْرانه»^{۳۵} (یسنه ۱۲) نیز که در سنت زرتشتی از آن به عنوان «اعتقادنامه» یا «تشهد» دین زرتشت یاد می‌شود نیز نشان از جنبه «تبلیغی» و «دعوتی» آن دارد که شهادت عمومی مشرف‌شدگان را در جمعی اعلام می‌کند. در پاسخ به نکته دوم باید در نظر داشت که در متون اوستای متأخر، شواهد بسیار محکمی وجود دارد که در آن‌ها نه تنها به وضوح زرتشت را به عنوان شخصیتی تاریخی و قدرتمند معرفی می‌کند، بلکه به تاریخ دوره‌های اولیه خود نیز ارجاع می‌دهد. درباره مورد سوم نیز اشارات محکمی به تثبیت یک سنت زرتشتی از همان آغاز وجود دارد که بهترین نمونه آن را می‌توان در یشت سیزدهم، بند ۹۷ جستجو کرد، آن‌جا که از یکی از جانشینان زرتشت به نام سَئنه فرزند اَهوم‌ستوت سخن در میان است که نخستین کسی بود که صد پیرو حواری داشت. جز آن، سنت زنده زرتشتی تا به امروز، خود بهترین گواه برای پیوسته زنده بودن آن است. سنتی که مری بویس را در سفر پژوهشی یک ساله او (۱۹۶۳-۶۴ میلادی) به یزد، کرمان، مزرعه کلانتر و شریف‌آباد اردکان، پس از دیدن شباهت‌های اعجاب‌آور میان ایده‌های مندرج در «گاهان» و باورهای روزمره روستاییان زرتشتی، عمیقاً تحت تأثیر قرار داد و او را قانع کرد که باورهای مذهبی آیین زرتشت، بیش و کم بی هیچ تغییری در تداومی ناگسسته و همگون از آغاز تا به امروز به ما رسیده‌اند؛^{۳۶} نگاهی که پایه رویکرد «هماهنگ‌انگارانه» به تاریخ دین زرتشتی است.^{۳۷} متون اوستای متأخر در مجموع تصویری کلی از دین زرتشتی را عرضه می‌کنند که حول ایده کلام وحیانی اهوره‌مزدا به زرتشت و آموزه‌های زرتشت در مقام معلم دین شکل گرفته است. تمامی این شواهد البته نه اسنادی به معنای اخص کلمه «تاریخی»، بلکه شواهدی از دل سنت زرتشتی هستند که سعی در تاریخمند کردن خود دارد. اما همین شواهد کافی است تا بتوان از دل آن، پاسخ‌هایی در خور به پرسش تاریخمندی زرتشت داد.

زمان و زادگاه زرتشت

«گاهان»، «یسن هفت‌ها» و ادعیه و اذکار کوچک عتیق اوستایی، همه به یک زبان واحد که آن را اوستای کهن یا اوستای متقدم (در گذشته گاه «اوستای گاهانی») می‌نامند، تألیف شده است. حتی اگر انتساب آن‌ها به زرتشت را نیز به دید تردید بنگریم، بازهم زمان تألیف این متون باید معاصر با زمان زندگی زرتشت باشد و از این رو تعیین محل و زمان تقریبی نگارش این متون، ما را به تعیین مکان و زمان زندگی زرتشت نزدیک می‌کند. به جز متون اوستای عتیق، تمام متون دیگری که نام و یادی از زرتشت را در خود دارند، دست‌کم با فاصله زمانی بیش از چندین سده نسبت به «گاهان» قرار می‌گیرند. نام زرتشت در مجموع شانزده بار در «گاهان» یاد شده است و شواهد متنی فراوانی برای اهمیت او در «حلقه‌ی گاهانی» اولیه وجود دارد. از نظر سبکی، در هریک از پنج فصل «گاهان»، حداقل دو و حداکثر چهار نام خاص آمده است که در تمام این موارد، نام زرتشت، اولین آن‌هاست و برخلاف دیگر نام‌های خاص که همیشه به صورت گروهی یاد شده‌اند، نام زرتشت تنها نامی است که به تنهایی نیز آمده و در جای جای آن، به نقش آیینی او از جمله به عنوان «مانثران» یا «صاحب کلام و اذکار ایزدی» اشاره شده است. بنا بر «گاهان»، زرتشت تنها کسی است که آموزه‌های مزدا را شنید. در متون اوستایی متأخر، گفتار، دین، آموزه‌ها و فروشی زرتشت ستایش می‌شوند (یسنه ۱۶.۲). درباره زمان و زادگاه زرتشت اما هیچ اشاره مستقیمی نه در «گاهان» و نه در باقی متون اوستایی پیدا نمی‌شود. زبان «گاهان» و در کل زبان اوستا، مربوط به شرق جهان ایرانی است. توصیفات و اشارات جغرافیایی و تفسیر نام‌جای‌های اوستایی اما نهایت محدوده جغرافیایی‌ای یا در خوارزم باستانی یعنی جنوب غرب دریاچه آرال و شرق دریای خزر (ازبکستان و ترکمنستان امروزی)، یا در بلخ باستانی یعنی شمال هندوکش و غرب پامیر (در محدوده مرزی افغانستان، ازبکستان و تاجیکستان امروزی) و یا سیستان باستانی یعنی جنوب غرب هندوکش (در محدوده مرزی پاکستان، افغانستان و ایران امروز) را گزینه مناسبی برای محل اسکان «جامعه گاهانی» می‌سازد. کشف محوطه باستانی تمدن آمودریا، تمدن عصر مفرغ آسیای میانه (مجموعه‌ی باستان‌شناسی باختر - مرو) نیز در دهه‌های گذشته، آن را به گزینه احتمالی برای زادگاه زرتشت و سرچشمه «جامعه‌ی گاهانی» تبدیل کرده است. به جز ارسطو و به تبع او دیگر مورخان و فیلسوفان جهان یونانی - رومی - لاتین که زمان زرتشت را شش هزار سال پیش از افلاطون می‌دانست، متون سنتی فارسی میانه زرتشتی مانند «ارداویراف‌نامه»

و تاریخ‌نگاران متقدم اسلامی، همچون مسعودی و بیرونی، زمان زرتشت را به اتفاق در حدود سیصد سال پیش از اسکندر ذکر کرده‌اند. این قول زمان زرتشت را بیش و کم همزمان با آغاز هخامنشیان و معاصر کوروش بزرگ هخامنشی می‌سازد و مبنای تاریخ‌گذاری متأخر برای زرتشت است. بسیاری از ایران‌شناسان نیمه دوم سده بیستم، همچون والتر برونو هنینگ (۱۹۰۸-۱۹۶۷)^{۳۸}، والتر هینتس و ایلیا گرشویچ نیز با تاریخ‌گذاری متأخر برای زرتشت همداستانند. اما تاریخ‌گذاری زبان «گاهان» و دیگر متون عتیق اوستایی، توجیهی برای پذیرش تاریخ متأخر باقی نمی‌گذارد، چه بسیار نامحتمل و اصلاً ناممکن است که بتوان تاریخ زبان متون کهن اوستایی را در نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد دانست. منطقی است که زمان زندگی و فعالیت زرتشت را همزمان با زمان زبان «گاهان» و متون اوستای کهن، در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد تا هزار اول پیش از میلاد دانست که با تنوعی جزئی، امروزه مورد تأیید قریب به اتفاق اوستاشناسان، زبان‌شناسان و دین‌پژوهان معاصر است.

یکتاپرستی در دین زرتشتی

پرسش درباره توحیدی یا چندگانه‌پرست بودن دین زرتشتی، پرسشی است که ملهم از تمرکز یک‌خدایی در ادیان ابراهیمی، همواره از جانب چه پژوهشگران و چه باورمندان ادیان سامی مطرح بوده است. دست‌کم از آغاز دوره اسلامی و از زمانی که زرتشتیان، در سرزمین‌های تازه به تسلط درآمده توسط حاکمان مسلمان، زیر انقیاد آنان درآمدند، این پرسش جنبه‌ای «سیاسی» نیز پیدا کرد. چه، تحت‌الحمایه قرارگرفتنشان برای تأمین جان و مال و حفظ دین خود در دولت اسلامی، وابسته به مصداق «اهل کتاب» بودن زرتشتیان بود. به زبانی ساده، داشتن پیامبری با کتابی الهی و خدایی یگانه، به طریقه اولی شبیه به یهودیت و مسیحیت.

توافق درباره تعریف «تک‌خدایی» نخستین قدم برای پاسخ به این سوال است که آیا دین زرتشتی، دینی چندخدایی یا یکتاپرستانه است. همان‌گونه که یان آسمان (متولد ۱۹۳۸)^{۳۹}، دین‌پژوه و مصرشناس نامی معاصر آلمانی و دیگران در این باره نوشته‌اند،^{۴۰} تک‌خدایی یا یکتاپرستی در طول تاریخ، دست‌کم با دو چهره گوناگون ظاهر شده است که از آن دو می‌توان به «تک‌خدایی انحصاری»^{۴۱} و «تک‌خدایی انضمامی»^{۴۲} یاد کرد. اولی را می‌توان با گزاره «هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست» و دیگری را با گزاره «همه‌ی خدایان یکی هستند» توضیح داد.^{۴۳} اندیشه‌های منتهی به «تک‌خدایی انضمامی» را می‌توان در متن‌های مقدس مصر، بابل، هند و یونان و روم باستان و البته در دین زرتشتی به خوبی جستجو کرد. تصور یکی نبودن همه جلوه‌های گوناگون خدای واحد، هرچند در جلوه‌های مختلف ایزدی، برای یک هندو همان‌قدر عجیب است که برای دینداری یهودی یا مسلمان. در مقابل «تک‌خدایی انحصاری»، آن صورتی از یکتاپرستی را نشان می‌دهد که شاخص ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) است. در «تک‌خدایی انضمامی»، همان‌گونه که در دین زرتشتی به روشنی دیده می‌شود، ایزدان گوناگون، سوبه‌ها، جلوه‌ها یا اقانیم خدایی واحدند. دست‌کم از میانه سده نوزدهم میلادی و تحت تأثیر «نهضت بازگشت به گاهان» و هژمونی کلام مسیحی، سوبه‌های انضمامی «تک‌خدایی به شیوهی زرتشتی»^{۴۴} مندرج در متون اوستایی و سنت متأخر زرتشتی، کمرنگ‌تر و به جنبه‌های انحصاری آن توجه بیشتری شد. گفتمان غالب «تک‌خدایی انحصاری» اسلامی در ایران نیز، که از همان سده‌های اولیه اسلامی، به مسأله‌ای همواره چالش‌برانگیز برای زرتشتیان بدل شده بود، نهایتاً از آغاز سده بیستم میلادی، دست از صورت کهن باور به «تک‌خدایی انضمامی» کشید و بیشتر و بیشتر به هماهنگی با ساختار یکتاپرستی اسلامی نزدیک شد. به هر روی، چه در صورت کهن و سنتی آن و چه بعد از تطورات متأخر متأثر از هژمونی مسیحی - اسلامی، دین زرتشتی در کلیت خود، همواره به صورتی از «یکتاپرستی» وفادار بوده است.

سخن پایانی

هرچند که با توجه به متفاوت و گاه متناقض بودن آرای صاحب‌نظران، به نظر می‌رسد که نتوان از دل بحثی دانشگاهی، به هیچ گزاره قطعی‌ای در مورد زرتشت تاریخی و خالق «گاهان» رسید، اما نباید از نظر دور داشت

که با فرضی نزدیک به یقین برای وجود زرتشت تاریخی، همچنان و مثل همیشه «گاهان» و دیگر متون اوستای عتیق، تنها و کهن‌ترین منبع غیرقابل انکار درباره زرتشت تاریخی و آموزه‌های او هستند. زبان دلکش و درخشان ادبی «گاهان»، ایجاز و ژرفای سخن آن، نشان از نبوغ و اندیشه والای پیامبری دارد که نه تنها همچون ادیبی سخنور، تسلط خود را به زبان، آرایه‌ها، صورخیال و ابزار شعر به رخ می‌کشد، بلکه به عنوان یکی از کهن‌ترین متون ادبیات دینی، برای نخستین بار، ساختاری محکم از اندیشه و فلسفه‌ای جدید در نگاه به جهان و امر قدسی در پیش می‌کشد. اندیشه‌ای چنان پرفروغ که همچنان از پس هزاره‌ها، از درخشش و نو بودن آن اندکی کاسته نشده و چه دین‌دار و دین‌پژوه، چه عارف و عامی، هر که را به نوعی، مجذوب خود ساخته است و به قدر فهم خود، از آن سیراب کرده است. «گاهان» متنی چندوجهی و حاوی آموزه‌ها و رموز ظاهری و باطنی فراوانی است. جنبه ستایشی، اخلاقی و عرفانی آن، همان‌قدر وزن و اعتبار دارد که جنبه آیینی و نیایشی آن. تمرکز بر وجه اخلاقی «گاهان» نباید بر اهمیت آیینی آن سایه افکند و همچنان، همچون هر متن موجز و ادبی، بهترین راه درک آن و لذت بردن از زبان زیبای آن، مطالعه مستقیم «گاهان» است. بررسی جنبه‌های ادبی، اخلاقی و آیینی «گاهان»، کاری بس سترگ و دشوار و نیازمند سال‌ها مطالعه و پژوهش در تاریخ، دین و زبانهای ایرانی است. باشد که این مختصر، تلنگری شود برای توجه به نگاهی همه جانبه و به دور از تنگ‌نظری به مهم‌ترین متون ادبی و دینی شرق باستان.

یادداشت‌ها

26. Helmut Humbach (1921-2017)
27. Éric Pirar (*1950)
28. Prods Oktor Skjærvø (*1944)
29. John Wilson (1804-1875)
30. Martin Haug (1827-1876)
31. Haug, Martin. Essays on the Sacred Language, Writings and Religion of the Parsis: to Which is also Added a Biographical Memoir of the Late Dr Haug by Professor E. P. Evans. Bombay: Bombay Gazette, 1862.
32. Friedrich von Spiegel (1820-1905)
33. authoritative
34. Ring composition
35. *frauuarāne*
36. Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.
۳۷. نگ به فریدنژاد، شروین. «کانون دین زرتشتی و جایگاه آن در پژوهش‌های آیین زرتشت» در: کانون دین زرتشتی در ایران. مری بویس. نسک‌های ایران‌شناسی، ۱. تهران: توس، ۱۳۹۷.
38. Walter Bruno Henning (1908-1967)
39. Jan Assmann (*1938)
41. Cf. Assmann, Jan. Die Mosaische Unterscheidung. Carl Hanser Verlag, 2003; Assmann, Jan. Die Mosaische Unterscheidung: oder der Preis des Monotheismus. Edition Akzente. München: Hanser, 2010; Assmann, Jan. Monotheismus und die Sprache der Gewalt: [Vortrag im Alten Rathaus am 17. November 2004]. 6. Aufl. Wiener Vorlesungen im Rathaus 116. Wien: Picus Verlag, 2013, Brumlik, Micha. Die Gewalt Des Einen Gottes: Die Monotheismus-Debatte Zwischen Jan Assmann, Micha Brumlik, Rolf Schieder, Peter
1. Gāthās (Y. 28-41, 43-51, 53)
2. *Yasna Haptanhāiti* (Y. 35.2-41)
3. Jong, Albert de. Traditions of the Magi: Zoroastrianism in Greek and Latin Literature. Religions in the Graeco-Roman World 133. Leiden: E. J. Brill, 1997.
4. fragmentising approach
5. harmonising approach
6. diversifying approach
7. Henrik Samuel Nyberg (1889-1974)
8. Oscar Stig Wikander (1908-1983)
9. Geo Widengren (1907-1996)
10. Hermann Lommel (1885-1968)
11. Émile Benveniste (1902-1976)
12. Jean Kellens (*1944)
13. Ilya Gershevitch (1914-2001)
14. Gherardo Gnoli (1937-2012)
15. Mary Boyce (1920-2006)
16. Shaul Shaked (*1933)
17. Philip G. Kreyenbroek (*1948)
18. Albert de Jong (*1966)
19. *ahuna vairiia (yaθā ahū vairiīō), ašam vohū, yeŕjhe hātqm, ā airiīāmā išiiō.*
20. Bartholomae, Christian. Altiranisches Wörterbuch. Strassburg: Trübner, 1904
21. Christian Bartholomae (1855-1925)
22. Jes Peter Asmussen (1957-2016)
23. Jacques Duchesne-Guillemin (1910-1912)
24. Walther Hinz (1906-1992)
25. Stanley Insler (1937-2019)

Dynamik Des Monotheismus, edited by Jan Assmann and Harald Strohm, 63–92. Lindauer Symposien Für Religionsforschung 3. München: Wilhelm Fink, 2012; Hintze, Almut. 'Monotheism the Zoroastrian Way'. Journal of the Royal Asiatic Society 24, no. 2 (2014): 225–49; Stausberg, Michael. 'Zoroastrische Unterscheidung'. In Echnaton und Zarathustra: zur Genese und Dynamik des Monotheismus, edited by Jan Assmann and Harald Strohm, 93–118. Lindauer Symposien für Religionsforschung 3. München: Wilhelm Fink, 2012.

Sloterdijk Und Anderen / Hrsg. von Rolf Schieder. Edited by R. Schieder. Berlin: Berlin Univ. Press, 2014.

41. exclusive monotheism

42. inclusive monotheism

43. Cf. Assmann, Jan. Monotheismus und die Sprache der Gewalt: [Vortrag im Alten Rathaus am 17. November 2004]. 6. Aufl. Wiener Vorlesungen im Rathaus 116. Wien: Picus Verlag, 2013.

44. Cf. Hintze, Almut. 'Monotheismus Zoroastrischer Art'. In Echnaton Und Zarathustra: Zur Genese Und

کتابنامه

فریدنژاد، شروین. (۱۳۹۷). کانون دین زرتشتی و جایگاه آن در پژوهش‌های آیین زرتشت. کانون دین زرتشتی در ایران. مری بویس. ترجمه حسین ابراهیمیان. (نسک‌های ایران‌شناسی ۱)، ۷-۱۳. تهران: توس.

Assmann, J. (2003). Die mosaische Unterscheidung. Carl Hanser Verlag.

Assmann, J. (2010). Die Mosaische Unterscheidung: oder der Preis des Monotheismus (Edition Akzente). München: Hanser.

Assmann, J. (2013). Monotheismus und die Sprache der Gewalt: [Vortrag im Alten Rathaus am 17. November 2004] (Wiener Vorlesungen im Rathaus 116). 6. Aufl. Wien: Picus Verlag.

Bartholomae, C. (1961). Altiranisches Wörterbuch. Strassburg: Trübner.

Boyce, M. (1977). A Persian stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press.

Brumlik, M. (2014). Die Gewalt des einen Gottes: die Monotheismus-Debatte zwischen Jan Assmann, Micha Brumlik, Rolf Schieder, Peter Sloterdijk und anderen / hrsg. von Rolf Schieder, R. Schieder(ed.), Berlin: Berlin Univ. Press.

Haug, Martin. (1862). Essays on the Sacred Language, Writings and Religion of the Parsis: To which is Also Added a Biographical Memoir of the Late Dr Haug by Professor E. P. Evans. Bombay: Bpmby Gazette.

Hintze, Almut. (2012). Monotheismus zoroastrischer Art. In Jan Assmann & Harald Strohm (eds.), Echnaton und Zarathustra: zur Genese und Dynamik des Monotheismus (Lindauer Symposien Für Religionsforschung 3), 63–92. München: Wilhelm Fink.

Hintze, A. (2014). "Monotheism the Zoroastrian Way." Journal of the Royal Asiatic Society (24: 2), 225–249.

Jong, Albert de. (1997). Traditions of the Magi: Zoroastrianism in Greek and Latin Literature (Religions in the Graeco-Roman World 133). Leiden: E. J. Brill.

Stausberg, Michael. (2012). "Zoroastrische Unterscheidung." Echnaton und Zarathustra: zur Genese und Dynamik des Monotheismus (Lindauer Symposien für Religionsforschung 3). J. Assmann & H. Strohm (eds.). 93–118. München: Wilhelm Fink.

۵ پیشگفتار

تورج دریایی

۸ زنجیره اجرایی: رهیافتی برای فن شناسی سفال‌های باستانی

امیر بشکنی

۲۶ فلزنبشته‌های موزه رضا عباسی: قدیمی‌ترین کتیبه‌های اورارتویی در ایران

مریم دارا

۳۴ شاهک‌نشین مادی خَرزَنو در پایان سده هشتم ق.م و نشانه‌هایی از پیشینه باستانی هرسین

مهرداد ملکزاده

۴۶ تاریخ‌نگاری آسیایی و اجزای آن

یاسر ملک‌زاده

۵۶ یک سالنامه نویافته سُریانی از شاهان ایران باستانی؛ بحثی مختصر در باب سالنامه‌های سریانی و سنت تاریخ‌نگاری در عصر ساسانی

سجاد امیری باوندپور

۶۶ استعاره‌های حسی: بیان درد در متون میانرودانی

پارسا دانشمند

۷۴ تاریخ‌مندی زرتشت یا در جستجوی زرتشت تاریخی

شروین فریدنژاد

۸۶ کاراکالا امپراتور روم و سقوط اشکانیان در قرن سوم میلادی

تورج دریایی

۹۴ نقش ماروتا، اسقف میافارقین، در روابط دیپلماتیک میان ایران و بیزانس

مهناز بابایی

۱۰۲ از آتیلا تا شارلمانی: سقوط و احیای «امپراتوری روم» در اروپای ژرمن‌ها

خداداد رضاخانی

۱۲۲ ساختار دربار تمدن‌های باستان از دیدگاه جامعه‌شناختی نوین – بخش یک: الگوی «سن سیمون» و برخی از ویژگی‌های دربار

دودمان سائیت در آستانه چیرگی هخامنشیان بر مصر

سپیده قاهری



جهان باستان
مجله علمی درباره تاریخ و تمدن

شماره ۱
پائیز ۹۹
شابک: ۹۷۸-۹۶۴۵۹۴۸-۸

دو فصلنامه "جهان باستان" مجله‌ای است علمی که می‌کوشد تا آخرین تحولات و نظریه‌ها در حوزه مطالعات باستان را به زبانی ساده در اختیار طیف گسترده‌ای از مخاطبان، پژوهشگران و علاقمندان عرصه تاریخ و فرهنگ قرار دهد. نویسندگان مجله برآنند تا با بهره‌گیری از رویکردهای تخصصی و دانشگاهی، تصویری ناب و شفاف از دنیای باستان و اهمیت آن در جهان امروز ترسیم کنند. علاوه بر این مجله مصاحبه‌هایی با چهره‌های صاحب نام در عرصه‌های گوناگون مطالعات باستان انجام خواهد داد تا از این طریق خوانندگان خود را با اندیشه‌ها و جریان‌های نو در آن حوزه‌ها آشنا کند.

مطالب منتشرشده نظرات نویسندگان آن‌ها بوده و الزاماً دیدگاه دوفصل‌نامه جهان باستان نیست.

این دوفصل‌نامه به کوشش و پشتیبانی مؤسسه‌ی نشر مهری منتشر می‌شود.
www.mehripublication.com
info@mehripublication.com



باسپاس از سیستا آرتز
www.cistaarts.com



طراح نشانه جهان باستان: دکتر نورالدین زرین‌کلک
ویراستار: دکتر نینا ماژجو (دانشگاه کنکوردیا)
دبیران اجرایی: دکتر مهناز بابایی (دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز)
انوشیک ملیکیان (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
طراح نقشه: رامین یشمی (دانشگاه آزاد اسلامی همدان)
نقاشی پشت جلد: مژن مظفری، تبادل از مجموعه میراث ایران

سردبیر: دکتر تورج دریایی، دانشگاه کالیفرنیا، ارواین

هیأت تحریریه:

دکتر سمرا آذرنوش، اکول پرتیک، پاریس
دکتر محمد ایمان پور، دانشگاه فردوسی، مشهد
دکتر مهناز بابایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
دکتر حمید بیکیس شورکایی، دانشگاه نانتر، پاریس
دکتر راضیه تعصب، دانشگاه پرینستون
دکتر مریم دارا، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران
دکتر پارسا دانشمند، دانشگاه آکسفورد
دکتر شاهرخ رزمجو، دانشگاه تهران
دکتر خداداد رضاخانی، دانشگاه پرینستون
امانوئل کیوان زارعی، دانشگاه ساووا مون بلان، شامبری فرانسه
دکتر شروین فریدنژاد، فرهنگستان علوم اتریش، وین/ دانشگاه آزاد، برلین
دکتر سپیده قاهری، اکول پرتیک، پاریس
دکتر علیرضا عسکری چاوردی، دانشگاه شیراز
دکتر نینا ماژجو، دانشگاه کنکوردیا، مونترال
دکتر بهار مختاریان، دانشگاه هنر، اصفهان
دکتر مهرداد ملکزاده، پژوهشکده باستانشناسی، تهران
انوشیک ملیکیان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
دکتر علی هژبری، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران
دکتر آنی هنرچیان، دانشگاه یوتا
دکتر آلین هوسپیان، دانشگاه لیمور، فرانسه

The Semi-annual Journal of Ancient World

No. 1- Autumn 2020

ISBN: 978-1-914165-94-8

Editor-In-Chief: Dr. Touraj Daryaei, University of California, Irvine

Advisory Board:

Dr. Alireza Askari Chaverdi, Shiraz University
Dr. Samra Azarnouche, École Pratique des Hautes Études
Dr. Mahnaz Babaee, Free University, Tehran
Dr. Hamid Bikas Shurkayi, Université Paris Nanterre, Paris
Dr. Parsa Daneshmand, Oxford University
Dr. Maryam Dara, Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, Tehran
Dr. Shervin Farridnejad, Austrian Academy of Sciences, Vienna/ Freie Universität, Berlin
Dr. Ani Honarchian, University of Utah
Dr. Aline Housepian, Université de Limoges
Dr. Ali Hozhabri, Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, Tehran
Dr. Mohammad Imanpour, Ferdowsi University of Mashhad
Dr. Mehrdad Malekzadeh, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran
Dr. Nina Mazhjou, Concordia University, Montréal
Anoushik Melikian, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran
Dr. Bahar Mokhtarian, Isfahan University of Art
Dr. Sepideh Qaheri, École Pratique des Hautes Études
Dr. Shahrokh Razmjou, University of Tehran
Dr. Khodadad Rezakhani, Princeton University
Dr. Razieh Taasob, Princeton University
Emmanuel Keyvan Zarei, Université Savoie Mont Blanc, Chambéry

The semi-annual Journal of Ancient World is a Persian academic journal aiming to publish the latest scholarly works in a language accessible to a wide range of audiences, including both researchers and enthusiasts of ancient history and culture. The authors adopt academic approaches to present a clear and updated picture of the Ancient World and to outline its relevance to today's world and concerns. Additionally, the journal will interview scholars of various fields of ancient studies to introduce the readers to current and new ideas in the study of the ancient world.

The semi-annual journal of Ancient World reserves the right to edit all submitted articles to fit the journal's style. The opinion of the authors do not necessarily represent the Ancient World's view.
jahanbastanjournal@gmail.com



This semi-annual journal is published by the help and support of Mehri Publication, London.
www.mehripublication.com
info@mehripublication.com



Thanks to Cista Arts.
www.cistaarts.com

Managing Editor: Dr. Nina Mazhjou, Concordia University, Montréal

Logo: Dr. Nouredin Zarrinkelk

Map: Ramin Yashmi, Free University, Hamedan

Backcover image: *Exchange form Persian Heritage* series by Mojan Mozaffari



با مقاله‌هایی از
 داورج شریانی
 امیر یحیی
 مریم خاکی
 مهرزاد ملک‌زاده
 بابک ملک‌زاده
 مسعود امیری باوندشور
 پارسا قاسمی
 فریاد فریدزاده
 مهتاب باستانی
 خدیجه رستمی
 سیدعلی قاجری



The Semi-annual Journal of
 Ancient World
 No. 1-Autumn 2020



The Semi-annual Journal of
 Ancient World
 No. 1-Autumn 2020

